پژوهشی در مکتوبات شرف‌الدّین مَنْیَری

حکیمه دبیران
دانشیار دانشگاه تربیت معلم

چکیده

وجود عرفای بزرگوار پارسی‌گویی چون شیخ شرف‌الدّین احمد بن یحیی منیری در شبه قارّه به مرور ایّام موجب آگاهی عموم مردم هند و گرایش آنان به دین مبین اسلام شده است. تلفیق عرفان اسلامی و زبان فارسی در هند، ضرورت پژوهش و بحث دربارهٔ ارزش و اهمیّت آثار فارسی باقی‌مانده در آن خطّه و اهتمام در احیای آن‌ها را ایجاب می‌کند. یکی از این آثار گرانقدر عرفانی «مکاتیب صدی» یا صد مکتوب شرف‌الدّین است که آن را با نثر فصیح و عالمانهٔ فارسی خطاب به مریدان خویش نگاشته است. این امر علاوه بر این‌که گویای بسط و گسترش عرفان اسلامی در آن خطّه است، نشان می‌دهد که به شهادت آثار موجود، زبان فارسی نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در اقطار و اکناف شبه قارّهٔ هند رواج داشته و زبان مجالس وعظ و محافل ادبی و عرفانی و نامه‌نگاری‌های دوستانه و رسمی آن دیار، زبان شیوای فارسی بوده است. بررسی و تحلیل «مکتوبات» هم از جنبهٔ ادبی و هم از لحاظ محتوا اهمیت دارد، لذا در این مقاله پس از شرح مختصری دربارهٔ احوال و آثار شرف‌الدّین، به تحلیل محتوای «مکتوبات» و ارائهٔ نمونه‌هایی از چند مکتوب پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: عرفان اسلامی هند، مکاتیب فارسی، شرف‌الدّین منیری.

تاریخ دریافت: ۸۵/۳/۲ تاریخ پذیرش:۸۵/۴/۲۶

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

مقدمه

تفکّر عرفانی اسلامی در شبه قاره به همان اندازه قدیمی است که وجود مسلمانان در این سرزمین. اگرچه در اثر حملهٔ محمّد بن قاسم ثقفی در اواخر قرن اوّل هجری (۹۲ ق.) دین مبین اسلام وارد شبه قاره شد، امّا مرحلهٔ اساسی و بنیادین ورود اسلام به هند از اواخر قرن چهارم هجری با ورود غزنویان آغاز گردید. غزنویان در نتیجهٔ فتوحات پیاپی خود راه ورود اسلام به آن سرزمین را هموار کردند. هنگامی که پادشاهان و جنگاوران مسلمان جهت تسخیر شهرها و توسعهٔ مملکت مشغول به لشکرکشی بودند، عرفا و صوفیه توجه خود را به تسخیر قلب‌ها و گسترش بنیادهای فکری در میان مردم، مبذول داشتند (بدخشانی،۱۹۷۱: ۲۰۲).

بیشتر صوفیان و عارفانی که اسلام را در شبه قاره گسترش دادند ایرانی بودند، مانند هجویری (داتا گنج‌بخش) و میر سید علی همدانی. رضاقلیخان هدایت دربارهٔ میر سیّد علی همدانی می‌نویسد: «سه نوبت ربع مسکون را سیاحت نمود. گویند به صحبت هزار و چهارصد نفر از اولیاءاللّه رسید» (١٣٤٤: ١٦٩).

حضور عرفای بزرگوار پارسی‌گویی چون شیخ شرف‌الدّین احمد بن یحیی منیری در شبه قارّه به مرور ایّام موجب آگاهی عموم مردم هند و گرایش آنان به دین اسلام شده است. آمیختگی دین اسلام و زبان فارسی در هند، ما را بر آن می‌دارد که در حدّ توان به نشان‌دادن اهمیّت این زبان و احیای آثار فارسی باقی‌مانده در آن خطّه بپردازیم. یکی از این آثار عرفانی با ارزش، *مکتوبات صدی* شرف‌الدّین است که آن را با نثر فصیح و عالمانهٔ فارسی در پاسخ به درخواست حاکم یکی از قصبات اطراف مَنْیَر نگاشته است. این امر نشان می‌دهد که زبان فارسی نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در اقطار و اکناف شبه قارّهٔ هند رواج داشته و زبان ادبی و عرفانی و نامه‌نگاری‌های دوستانه و رسمی آن دیار، زبان شیوای فارسی بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

مختصری دربارهٔ احوال و آثار شرف‌الدّین

«شیخ الاسلام احمد بن یحیی‌بن محمّد هاشمی منیری، یکی از عرفای بزرگ شبه قارّهٔ هند و از شاعران و نویسندگان توانای ادب پارسی در قرن هشتم هجری است که در مَنْیَر از بلاد بهار[۱] پا به عرصهٔ وجود نهاد و به شیوهٔ اجداد[۲] خویش، به گسترش تعالیم اسلام پرداخت و پس از عمری خدمت خالصانه به دین مبین اسلام در سال ۷۸۲ هجری قمری به دیار باقی شتافت و از همان زمان تربت پاکش زیارتگاه عامّ و خاصّ و آثار ارزنده‌اش روشنی‌بخش راه سالکان شریعت و طریقت گردید (مطیع الامام: ۱۹۹۳، ۳).

ابراهیم قوام فاروقی صاحب فرهنگ فارسی ابراهیمی معروف به *شرفنامهٔ منیری*[۳] حدود یکصد سال پس از رحلت این بزرگمرد اسلام و عرفان، فرهنگ ارزشمند خویش را که حاصل‌عمری مطالعه، مداقّه و نویسندگی و شاعری بود، به نام نامی وی آذین بخشید، و در حقیقت به روح پر فتوح او تقدیم نمود. وی در مقدّمهٔ کتاب خود پس از آوردن مثنوی‌هایی در حمد باری‌تعالی و نعت رسول اکرم(ص) یک مثنوی سی و یک بیتی دربارهٔ فضایل و مکارم شیخ شرف‌الدّین آورده که در ضمن آن چنین می‌گوید: (دبیران، ۱۳۸۵)

مغیث جهان سرور مَنْیَر است — که خاک در روضه‌اش عنبر است
کنون روضه‌اش کعبهٔ ثانی است — که باران برو فیض رحمانی است
کفیل نجات است خاک درش — خوشا آن کسی کو بُود بر سرش
مکاتیب او کان ایمان شمر — بُوَد منکر او ز کافر بتر
تصانیف او را همه عرشیان — بگیرند از بر پی حرز جان
هر آن کس که دارد تولّا بدو — نرنجد گهی حق تعالی ازو

(دبیران، ۱۳۸۵: ٦)

دربارهٔ احوال و افکار و آثار این عارف بزرگ بسیاری از مورّخان و صاحبان تذکره‌ها و پژوهشگران سخن گفته‌اند که ذیلاً به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

«شرف‌الدّین در جستجوی نظام‌الدّین اولیاء به دهلی رفت و دریافت که وی متأسفانه در سال۷۲۵ هجری وفات یافته است، لذا مرید شیخ نجیب‌الدّین فردوسی شد و وی منصبی در نظام چشتی به او عطا کرد. نامه‌های وی (مجموعهٔ استوارت: ۴۲)، همچون خطابه‌هایش که‌تحت عنوان *معدن‌المعانی* گرد آمده، بسیار (مورد توجّه است و به مطالعهٔ آن) توصیه شده است. نکات قابل توجّهی از زندگی او در *مرآت‌العالم*: ۱۱۳؛ *اخبار الاخیار*: ۹۷؛ *آیین‌اکبری*، ج۲ :۲۱۹. و ترجمهٔ بلوخمن: ۴۸ آمده‌است» (Rieu 1966: 492 - 493).

هدایت در *ریاض‌العارفین* دربارهٔ وی چنین می‌نویسد:

«شیخ از معارف اهل کمال و اعاظم با افضال بوده، مکاتیبش که به مخلصان خود نوشته معروف و مشهور است و فقیر تمام آن را دیده و بعد از مکاتیب شیخ احمد سرهندی[۴] بر سایر مکاتیب برگزیده، مطالب خوب و حقایق مرغوب در آن‌ها مندرج است. کتابی نیز به نظر رسید *شرفنامه* نام در بیان لغات، همانا از آن‌جناب است یا مریدی به نام او نوشته است و نام آن در این مصرع موزون است: شرفنامهٔ احمد مَنیری. این رباعی از اوست:

روی سیه و موی سپید آوردم — چشمی گریان قدی چو بید آوردم
چون خود گفتی که ناامیدی کفر است — فرمان تو بردم و امید آوردم»
(هدایت، ۱۳۸۵ :۱۵۰)

همچنین در کتاب‌های *کشف‌الظّنون* (ج۴)، *تذکرهٔ علمای بهار* (ص ۲۰)، *لغتنامهٔ دهخدا*، *فرهنگ‌نویسی در هند و پاکستان* (ص ۶۲)، *فهرست ریو* (ص ۴۹۲)، *محبوب‌الالباب* (ص ۳۶۲)، و *تاریخ ادبیّات در ایران* و نیز *تاریخ تصوّف در هند* (به زبان انگلیسی) دربارهٔ وی مطالبی آمده است. اخیراً یکی از محقّقان پاکستان دکتر سیّد مطیع الامام، تاریخ زندگی خاندان شرف‌الدّین را با عنوان «*شیخ شرف‌الدّین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نثر متصوّفانهٔ فارسی*» با استفاده از منابع و مآخذ متعدّد نگاشته و آثار او را با ارائهٔ نمونه‌هایی برشمرده است. وی انگیزهٔ اصلی این تحقیق را مطالعهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

کتاب *تاریخ تصوّف* تألیف آرتور آربری (به انگلیسی) و شاهکارهای نثر فارسی معاصر تألیف مرحوم استاد سعید نفیسی دانسته است و نظر هر دو را به اختصار بیان می‌کند:

«آربری گوید: بسیاری از شخصیّت‌های بزرگ صوفیّه سزاوارند که دربارهٔ آن‌ها مطالعه و تتبّع دقیق و مفصّل به عمل آید و از آن میان‌اند: فریدالدّین گنج شکر، نظام‌الدّین اولیاء، نصیرالدّین چراغ دهلی، بهاءالدّین ملتانی، احمد یحیی منیری و محمّد گیسو دراز» (مطیع الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

مرحوم سعید نفیسی دربارهٔ تحولّات نثر فارسی در قرن نهم هجری قمری می‌نویسد که در این قرن اندک اندک سبک روان و ساده‌ای که در قرن‌های پیش روش اکثریّت نویسندگان بوده است، رها شده و نویسندگان بیش از پیش گرد استعارات، کنایات و تکلّفات گشته‌اند. ایشان بعضی از نویسندگان مانند جامی، لاهیجی، شرف‌الدّین منیری را از زمرهٔ کسانی بر شمرده است که هنوز به سادگی و روانی در نثر معتقد بوده‌اند» (نک: نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۵۰).

دکتر مطیع‌الامام مطالب نسبةً مستوفایی دربارهٔ نثر شرف‌الدّین و ویژگی‌های آن و همچنین پیشینهٔ نثر صوفیانه نگاشته است. از آن جمله دربارهٔ لغات و ترکیبات فارسی و عربی در مکتوبات، در بخش مختصّات نثر صوفیانه گفته است:

«در مکتوبات صدی تناسب لغات عربی چنان‌که شمردیم، بالاتر از سی درصد است و بیشتر این لغات اصطلاحات تصوّف اسلامی است. علاوه بر این شیخ در عبارات مکتوبات خود ترکیبات عربی و آیات کلام‌اللّه مجید نیز آورده، و گاه آن‌ها را با عبارات فارسی به‌هم پیوسته است» (مطیع‌الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

نویسنده از منابع مهمّ این تحقیق به شرح ذیل نام برده است:

تحقیقات‌المعانی تألیف مولانا شاه آمون (۷۸٤ ق.)؛ *کنزالانساب* تألیف عبدالرّزاق فانی(۱۳۰۰ ق.)؛ آثار منیر تألیف سیّد محمّد مرد اللّه منیری (۱۳٦۷ق.)؛ *مطالب الطالب* (شرح آداب المریدین شیخ ضیاء الدّین سهروردی) تألیف شیخ شرف‌الدّین منیری؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

مناقب‌الاصفیا تألیف شیخ شعیب فردوسی؛ *مکتوبات مظفّر* تألیف شمس بلخی (۸٤٤ ق.)؛ *مونس‌القلوب* تألیف شیخ احمد بلخی (۸۲٦ ق.)؛ و منابع دیگری را که مربوط به دورهٔ جدید است، چنین برمی‌شمارد: *آثار شرف* تألیف قاضی نورالحسین خان بهادر؛ *وسیلهٔ شرف و ذریعهٔ دولت* تألیف سید شاه فرزند علی صوفی منیری؛ *سیرت‌الشّرف* تألیف سیّد ضمیرالدّین‌احمد؛ *تاریخ سلسلهٔ فردوسیه* تألیف محمّد معین‌الدّین؛ *اخبارالاخیار* تألیف شیخ عبدالحق محدّث دهلوی (مطیع‌الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

ایشان همچنین علاوه بر این مآخذ به استفادهٔ مناسب و قابل توجّهی از کتابخانهٔ بلخیّه اشاره می‌کند که در اثر الطاف صاحب سجادهٔ خانقاه بلخیّه فردوسیه در پتنا برای وی میسّر گردیده و به پر بارترشدن اثر مورد نظر افزوده است.

آثار شیخ شرف‌الدّین احمد منیری عبارتند از:

۱. *صد مکتوب* (مکتوبات صدی یا صدگانه)؛ تدوین زین بدر عربی ـ ۷٤۷ ق. این اثر در همین مقاله معرّفی می‌شود.

۲. *دویست و چند مکتوب*؛ تدوین اشراف بن رکن ـ رمضان ۷٦۹ ق. اسامی برخی از مخاطبان وی از این قرار است: قاضی شمس‌الدّین، مولانا کمال سنتوسی، شیخ مغربی، امام تاج‌الدّین، فیروز شاه شیخ محمّد ظفرآبادی معروف به دیوانه، امام سلیمان، مولانا مظفّر.

۳. ۲۸ *مکتوب* (مکتوبات بِست و هشت)، تدوین شیخ حسین بلخی، ۸۰۳ ق.

٤. *فوائد رکنی*، خلاصه‌ای از سه مجموعهٔ مکتوبات است که به درخواست رکن‌الدّین زائرالحرمین نگارش یافته است.

۵. *رسالهٔ مکّیه*: بحث دربارهٔ ذکر و مراقبه.

٦. *معدن‌المعانی*، گردآوردهٔ استاد زین بدر عربی، ۱۵ شعبان ۷٤٦ هـ.ق.

۷. *تحفهٔ غیبی* (ملفوظات سال‌های ۷۵۹ تا ۷۷۰ هـ.ق.) جامع آن زین بدر عربی است.

۸. *عقاید شرفی*: دربارهٔ عقاید اهل تصوّف.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

۹. اجوبه در پاسخ سؤالات زاهد بن محمّد بن نظام و دوستان دیگر. این مجموعهٔ سؤال و جواب دربارهٔ اهمّ مسائل تصوّف ظاهراً بعد از سال ۷٦٦ تنظیم شده است.

۱۰. *خوان پر نعمت*، گردآوردهٔ زین بدر عربی، ۷٤٦ تا ۷۵۱ ق. (ظاهراً ضمیمهٔ *معدن المعانی* است).

۱۱. شرح کتاب *آداب‌المریدین* حضرت ضیاءالدّین نجیب سهروردی؛ این اثر را به درخواست یکی از یاران خود به نام قاضی اشرف در ربیع‌الاوّل ۷٦۵ ق. شروع و در ذی‌الحجّهٔ ۷٦٦ ختم نموده است.

۱۲. *ارشادالطّالبین*: رساله‌ای است در بیان هدف و غرض طالب.

۱۳. *ارشادالسّالکین*: (دربارهٔ مسئلهٔ وحدت وجود)، تاریخ تألیف معلوم نیست.

۱٤. *لطایف‌المعانی*: خلاصهٔ معدن المعانی.

۱۵. *مخّ‌المعانی*، گردآوردهٔ شهاب‌الدّین عماد حالفی است. تاریخ تألیف آن معلوم نیست (احمد، ضمیرالدّین، ۱۹۲۲: ۳۲۸ و مطیع الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

ویژگی‌های صد مکتوب (مکاتیب صدی)

مکتوبات صدی که یکی از معروف‌ترین آثار شیخ شرف‌الدّین منیری است در حدود سال‌های ۷٤۱ تا ۷٤۷ ق. بنا به تقاضای یکی از مریدانش به نام قاضی شمس‌الدّین نوشته شده که بعداً توسّط یکی از مریدان خاص وی به نام زین بدر عربی[۵] تدوین گردیده و طیّ قرون مختلف نسخ بسیاری از آن به رشته تحریر در آمده است و در کتابخانه‌ها و گنجینه‌های گوناگون دستنویس‌های فارسی نگهداری می‌شود. در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی در تهران یک نسخه با نام مکتوبات شیخ شرف‌الدّین یحیی منیری به شماره ۱۸/۱۳ و نسخهٔ دیگری با عنوان مکاتیب شرف‌الدّین احمد منیری در مجموعهٔ شماره ۲٦٦۳ وجود دارد که دارای ۲۳مکتوب از مکاتیب صدگانه و فاقد مقدّمهٔ زین بدر عربی گردآورندهٔ مکتوبات است. نسخه‌ای دیگرحاوی ۹ مکتوب که ظاهراً از مکاتیب بیست و هشت گانه است در مجموعهٔ شماره ۲۷۸٤ وجود دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

نگارندهٔ این سطور برای مطالعه و تحقیق از دو نسخه چاپ سنگی مربوط به سال‌های۱۸۸۵ و ۱۹۱۱ میلادی استفاده کرده است که در کار مقابله به ترتیب با نشانهٔ الف و ب به آن‌ها اشاره شده است.

نسخهٔ الف: به شماره ٤٨٧٧٦ متعلّق به کتابخانهٔ بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تهران است، که دارای ٤٠٠ صفحهٔ ۲۱ سطری با خطّی خوانا و شامل صد مکتوب کامل است. در این نسخه حاشیه‌هایی دستنویس به زبان اردو به‌عنوان خلاصه یا نشانی‌هایی فهرست‌گونه از مطالب مندرج در صفحات نوشته شده است، مانند: فضل صحبت، دائم الوضو، کم کهنا (کم گفتن)، کم سونا (کم خوابیدن)، کم کهانا (کم‌خوردن).

نسخهٔ ب: به شماره ۸۹۱/۵۵٦۸ ـ م ن م ـ متعلّق به کتابخانهٔ پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی واقع در تهران است، دارای ۳۰۰ صفحهٔ ۲۳ سطری به خطّ نستعلیق و شامل صد مکتوب کامل است. این نسخه غیر از یکی دو مورد فاقد حاشیه است. در متن اشتباهات نوشتاری بسیاری مشاهده می‌شود.

در هر دو نسخه عناوین هر مکتوب درشت‌تر و پررنگ‌تر نوشته شده است و آیات و احادیث و گفتار بزرگان با ارائهٔ خطّی افقی در بالای آن‌ها مشخص شده است.

آغاز کتاب و انگیزهٔ نگارش و محتوای نامه‌ها

در آغاز کتاب، مقدّمهٔ مبسوطی از گردآورندهٔ آن زین بدر عربی وجود دارد که نشانگر مقام والای عرفانی او و تبحّر در نویسندگی و آگاهی به تعالیم اسلامی است، پس از حمد باری ارادت خالصانهٔ خود را به پیامبر اکرم (ص) و عترت (ع) و یاران آن جناب و علمای اسلام بدین‌گونه اظهار می‌دارد:

«صد هزاران افضل صلوات و اکمل تحیّات بر جان پاک آن سرور عاشقان و تاج سر عارفان محمّد رسول‌اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم باد که کسوت نبوّت در بر انبیا به طفیل او زیبا آمد و خلعت ولایت بر تن مبارک اولیا به صدقهٔ او چست گشت. [اگر]او نبودی که بودی، نه فلک بودی نه مَلَک، اگر او نیامدی که آمدی، نه آدم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

آمدی نه آدمی. رسولی که به مکان لامکان در مقام قرب و کرامت صد هزاران هزار تشریف محرمیّت بی اطلاع ملَکی و نبیّی و مرسلی و ولیّی بر قامت مبارکش ارزانی فرمود و خیمهٔ جلالت وی را در صحرای وجود کون نصب کرد و در بارگاه کونین وجود مخلوقات را خدم او ساخت. و نفحات فیضان تسلیمات بر آل و اهل بیت و یاران او که هر یک پیش آن بدر منیر ستارگان دُرافشان و سیّارگان نورافشان بودند. و بر علمای طریقت و بلغای حقیقت که میراث‌داران اویند، خصوصاً الطاف نعم مشاهده و اصناف شیم مکاشفه از جناب ازل و از درگاه لم‌یزل نثار وقت "مولانا و مخدومنا و استادنا و شیخنا و مرشدالانام الی طریق اللّه العلّام، قطب‌العارفین شرف‌الحق والحقیقة و الهدی و الدّین احمد یحیی مَنْیَری" متّع‌المسلمین بطول بقائه و ادام علی‌المؤمنین نعمة لقائه، متواتر و متوالی باد» (منیری، ۱۹۱۱ : ۲).

زین بدر عربی دربارهٔ انگیزهٔ نگارش مکتوبات می‌گوید:

«قاضی شمس‌الدّین حاکم قصبهٔ "جوسر" که به سبب موانع روزگار توفیق حضور در مجلس شیخ را نمی‌یافت بکرّات درخواست می‌نمود که حضرت شیخ در هر بابی از علم سلوک و مراتب و مقامات عرفان چند سطری جهت ارشاد و تعلیم او به رشتهٔ تحریر درآورد و توفیق چنان دست داد که مجموعهٔ مکتوبات شیخ‌شرف‌الدّین به بهانهٔ ارسال به حضور قاضی شمس‌الدّین توسّط خادمان حاضر در جلسات بدین ترتیب مرتّب گردید تا مورد استفادهٔ تمامی طالبان اسرار واقع شود» (منیری، ۱۹۱۱ : ۳).

عنوان مکتوبات به ترتیب از مکتوب اوّل تا صدم به اختصار چنین است:

توحید ـ توبه ـ خشنود کردن خصمان ـ پیر ـ ارادت ـ ولی ـ ولایت ـ کرامت ـ کفایت مهمّات ـ انوار ـ کشف ـ تجلّی ـ وصول سالک و مجذوب ـ سالک ـ مرض ظاهر و باطن ـ فضل انبیا بر اولیا ـ زلّات انبیا علیهم السلام ـ تصوّف ـ شریعت و طریقت ـ شریعت و حقیقت ـ متابعت رسول علیه الصّلوة و السّلام ـ طهارت ـ نیّت ـ نماز ـ روزه ـ حج ـ دعا و دعای برآمدن حاجات ـ عبادات ـ بندگی کردن ـ کلمهٔ طیّبه ـ ایمان عریان ـ صدق ایمان ـ شکر سلامت ـ شرک خفی ـ معرفت ـ متابعت اولیاء ـ محبّت و عشق ـ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

طلب حق ـ طریق الی اللّه ـ گفت و رفت ـ همّت و دعا که بعد از فریضه بخواند ـ تحریص مرید و تحریص بر علم ـ اوّل مرتبهٔ مرید ـ احوال مسلمانی و در ذکر نفس ـ اخلاق حمیده ـ تفکّر ـ تجرید و تفرید ـ تقوی[1] ـ صدق ـ نسبت ـ گمان نیک ـ معاد ـ تعلّق به اسباب و ترک آن ـ صحبت با این طایفه ـ خدمت ـ پاکیزه گردانیدن اخلاق مذمومه ـ ذکر طمع، و نماز حاجات ـ تفسیر دنیا ـ در ترک دنیا ـ سعادت و شقاوت ـ سرّ شب قدر ـ خوف و رجا ـ روح ـ دل ـ نفس ـ هوا ـ ریاضت نفس ـ مجاهدت و سیاست نفس ـ هجران نفس ـ با خود ساختن ـ تفاوت اقدام ـ غفلت ـ حسرت ـ معالجت و نماز برآمدن مهمّات و ادعیه ـ لباس ـ ملامت ـ سماع ـ عزلت ـ حکم جُدا شدن از خلق ـ چلّه ـ مرگ ـ وعده و وعید ـ دوزخ ـ بهشت (منیری، ۱۹۱۱ : ۳ ـ ۵).

شیوهٔ نگارش مکتوبات

با توجّه به این‌که هدف اصلی شرف‌الدّین در نگارش مکتوبات، ارشاد مخاطب و گسترش تعالیم شریعت و تبیین مقامات طریقت است، با انتخاب گزیده‌هایی از تفاسیر و ادعیه و رسالات‌عملیّه و امّهات کتب صوفیهٔ پیش از خویش چون *کشف‌المحجوب هجویری* و *مرصادالعباد* نجم رازی، همراه با تشریح و تمثیل و ذکر حکایاتی از بزرگان هر مکتوب را ظاهراً به مخاطب واحد، و در حقیقت به عموم طالبان اسرار می‌نگارد. لذا عبارات اگر چه مزیّن به آرایه‌های ادبی و مؤیّد به آیات قرآن و احادیث است، با نثری ساده و روان، قابل درک و فهم نوشته شده است. بیشتر آیات و عبارات عربی بدون ترجمهٔ فارسی، با شرحی مناسب یا بیان نتیجهٔ مفهوم آن آمده است. مانند: «لا یزالُ العَبدُ یَتقرّبُ اِلَیّ بِالنَّوافِل حتّی احببتُه فاذا احببتُه کُنتُ لهُ سمعاً و بصراً و لساناً (الحدیث). چون خداوند بنده را دوست دارد با او همان کند که مادر مهربان با فرزند طفل‌خود کند، از هلاکش نگاه دارد و مصلحت وی بی گفت وی بر وی نگاه دارد» (همان، ۹).

وجود ویژگی‌های نثر کهن نیز از روانی آن نکاسته است: «پس بسیار کس را اینجا قدم بلغزیده است جز به مدد توفیق و عنایت ازلی و به بدرقهٔ پیر رسیده و صاحب دیده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

شده، از فراز و نشیب این راه گذشته و شربت قهر جلال و لطف جمال چشیده، این بادیه را کسی قطع نتواند کرد» (همان،۱۰۱).

شرح و تفصیل عبارات و تقسیم و تشقیق، اگر چه جمله‌ها را طولانی می‌کند ولی در شناخت صاحبان هر مقام و آشنایی بیشتر با اصطلاحات عرفانی بسیار مؤثّر است:

«روندگان در این مقام (فناء) متفاوت باشند: کس باشد که در هفته یک ساعت بدین حضرت بار یابد و کس باشد که هر روز یک ساعت، و کس باشد که دو ساعت، و کس باشد که بیشتر اوقات مُستغرق باشد و دیگر بعد ازین چهار درجه الفَناءُ عَنِ الفَناء گفته‌اند و آن آنست که از کمال استغراق احساس رونده را به فناء خود و آگاهی او از فناء خود، و دانستن او که این در یافتن سلطان ظهور جمال و جلال است به یک صدمه به کتم عدم برد و همه ازو نیفتد، زیرا که دانستن رونده این همه در نظر اهل طریقت اشارت به تفرقه می‌کند «عین الجمع» و «جمع الجمع» اینجاست، که خود را و کلّ کائنات را در نور ظهور حق گم کند، و آگاهی خود از این گم کردن هم گم کند.

تو در او گم گرد توحید این بود　　گم شدن گم کن که تفرید این بود

نه اسم است اینجا نه رسم، نه وجود نه عدم، نه عبارت است اینجا نه اشارت، نه عرش است در این عالم نه فرش، نه اثر است در این دیار نه خبر، کُلُّ مَنْ عَلَیها فان جز در این مقام جلوه نکند، وکُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ الاّ وَجْهَهُ جز اینجا پیش روی ننماید، اَنَا الْحَق و سُبْحانی ورای اینجا نشان نکند، بیش نگوید و توحید بی‌شرک مطلق که شنیده‌ای، جز در این دارالملک صورت نبندد» (منیری، ۱۹۱۱: ۷).

بدون تردید شیخ شرف‌الدّین منیری به هر دو زبان فارسی و عربی تسلّط کامل داشته و با مهارت متن مکتوبات را به صورت آمیخته‌ای از عبارات فارسی و عربی پرداخته است. در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود که گاهی آیه یا عبارت عربی در نقش یکی از اجزای جمله آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

استشهاد به آیات قرآن

بعضی از آیاتی که شرف‌الدّین برای تأکید نظر خود در مکاتیب به آن‌ها اشاره کرده است:

- «الهیکم التّکاثُر» (آیهٔ ۱ سورهٔ تکاثر) ـ « رَبّنا ظَلَمنا اَنْفُسَنا» (آیهٔ ۲۳ سورهٔ اعراف).

ـ « مِلّةَ اَبیکُم ابراهیم» (آیهٔ ۷۸ سورهٔ حج) ـ « وَ لَم یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ» (آیهٔ ۱۱۱ ـ اسراء).

ـ «انَّ صَلوتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتِی لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین» (آیهٔ ۱۶۲ سورهٔ انعام).

نمونهٔ استناد به احادیث

در حدیث آمده است: «لو لم تذنبوا لذهب اللّه بکم و لجاء بقوم یذنبون فیستغفرون اللّه فیغفرلهم [۶]» (اگر شما گناه نمی‌کردید حق تعالی قومی دیگر آوردی تا ایشان گناه کردندی، پس بیامرزیدی ایشان را)، جمله عاصیان و گناهکاران عالم را این بشارت بسنده است:

مشو ای عاصی بیچاره نومید — که چون پیدا شود اشراق خورشید
اگر افتد به قصر پادشایی — هم افتد نیز بر کنج گدایی

حدیث دیگر: «مَن اَخلص لِلّه اَربعینَ صَباحاً اظهره اللّهُ یَنابیعَ الحِکمةِ مِن قَلبه عَلی لِسانِه».

دربارهٔ میزان رعایت آداب دینی و اخلاقی و نحوهٔ استفاده از آیات و احادیث و سخنان بزرگان و نوع انتخاب ترکیبات و اصطلاحات شرعی و عرفانی و شیوهٔ سخن با مخاطب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

درودها و عناوین و القاب

در مکتوبات شرف‌الدّین، درودها و عناوین و القابی که مشاهده می‌شود نشان از اعتقاد محکم و ادب اسلامی وی دارد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

ـ بعد از نام خدای متعال ترکیبات عربی: «عزّ و جلّ»، «تعالی»، «ربّ العزّة»، «جلّ جلاله».

ـ پس از نام پیامبران عباراتی چون: «عَلَیه السّلام»، «علی نَبِیِّنا وَ عَلَیهم السّلام»، «انبیا عَلَیهم‌الصّلوة والسّلام»، «پیغامبران صلوات اللّه علیهم اجمعین».

ـ درود بر پیامبر اکرم (ص) را همراه با درود و سلام بر خاندان مطهّر او و برای اولیاء (ع) و صحابه و بزرگان جملهٔ دعایی آورده است:

«حضرت رسالت صلّی‌اللّه علیه وآله وسلّم»، «سلطان انبیاء و اولیاء صلّی‌اللّه علیه وآله وسلّم».

– «امیرالمؤمنین علی، رضی اللّه عنه»، «ابوبکر و عمر، رضی اللّه عنهما»، «مشایخ، رضوان اللّه علیهم».

شیخ شرف‌الدّین در همهٔ مکتوبات از مخاطب، با عنوان برادر اعزّ یاد کرده و گاه با افزودن ضمیر اضافی «م» به موصوف، برادرم اعزّ آورده است. هیچ‌یک از القاب و عناوین، تصنّعی یا اغراق‌آمیز نیست. بیشتر جنبهٔ دعایی دارد، مانند:

ـ «برادر اعزّ شمس الدّین اَکْرَمَهُ اللّه بداند که...» در مکتوب دوم با عنوان توبه.

– «برادر اعزّ شمس الدّین شرّفه اللّه فی الدّارین...» در مکتوب چهارم با عنوان در طلب پیر.

گاه دعای مخاطب متناسب با عنوان و محتوای مکتوب است، مانند:

ـ «برادرم اعزّ شمس‌الدّین اکرمه اللّه بکرامة التّائبین» در مکتوب چهارم با عنوان «تجدید توبه».

ـ «برادر اعزّ شمس‌الدّین زیّنه اللّه بلباس اولیائه و احبّائه» در مکتوب نود و یکم با عنوان "لباس".

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

توصیه‌های دینی، اخلاقی، و عرفانی شرف‌الدّین

ـ «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. مکتوب هفتم در "ارادت": برادرم شمس‌الدّین بداند که ارادت خواست دل است که اندیشه به چیزی متعلق گردد و از آن اندیشه جنبشی در دل پدید آید که بدان جنبش نیت طلب آن چیز خیزد و هر چند مراد شریف‌تر ارادت بهتر و نکوتر و حقیقت ارادت خواست محض است و مجرّد از شوائب اغراض و پاک از تغییر پذیرفتن و ممتنع گشتن به اسباب و منقطع شدن از اغراض تا جز حضرت الهیّت باز نایستد. مثنوی:

تا بهشت و دوزخت در ره بود — جان تو زین راز کی آگه بود
چون برون آئی از آن هر دو مقام — صبح این دولت برون آید ز شام»
(منیری، ۱۹۱۱: ۲۱)

ـ «مکتوب سی و پنجم در "گزاردن حج": برادرم شمس‌الدّین سلّمه اللّه تعالی بداند که حج عبادت بدنی است و مالی است و این طائفه را در حج سرّها و کارهاست و به حقیقت زیارت‌کنندهٔ کعبهٔ معظّمه چون زیارت‌کنندهٔ خداوند است جلّ و علا» (منیری، ۱۹۱۱: ۹٤).

ـ «نمازگزار در حالت گزاردن نماز فانی‌الصّفت باشد و فانی‌الصّفت را التفات به غیر ممکن نبود، چنان‌که امیرالمؤمنین علی (رَضِیَ اللّهُ عنهُ) در نماز بود پیکان از ران بر کشیدند او را خبر نبود زیرا که در استغراق مشاهدهٔ محبوب از اوصاف خود فانی شده بود، فانی‌الصفت الم جراحت کی یابد؟»

ـ «مکتوب سی و ششم در "دعا و خواندن سورت‌ها برای کفایت مهمّات": برادرم اعزّشمس‌الدّین اجاب اللّهُ دعاءَهُ، بداند که مردمان را اختلاف است که دعا کردن اولی‌تر یا خاموش‌بودن در تحت جریان حکم اولی‌تر بعضی گویند که دعا در نفس خویش عبادت است چنان‌که فرمود: الدّعاءُ مخُّ العبادة» (منیری، ۱۹۱۱: ۲۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

«و در خبر است از سید عالم (صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) که فرموده است: به خدای که نفس من به ید قدرت اوست که بنده هر آئینه خواند خداوند را و او بدان بنده غضبان باشد، اعراض کند از وی، پس دیگر بار بخواند پس اعراض کند از وی، پس سوم بار بخواند، حق سبحانه و تعالی به ملائکه ندا کند که سر باز زند بندهٔ من از آن‌که خواند غیر مرا، به درستی و راستی که اجابت کنم مر او را. از خواجه یحیی معاذ رازی (رَحْمَةُ اللّه علیه) آورده‌اند که در مناجات خود گفتی الهی چگونه خوانم تو را و من عاصی‌ام و چگونه نخوانم تو را و تو کریمی.

خداوندا امید ما وفا کن　　دلم را از کرم حاجت‌روا کن
منوّر دار جانم را به نوری　　دلم را زنده گردان از حضوری»

ـ «اگر کسی را حاجت بود میان سنّت بامداد و فریضه چهل و یکبار سورهٔ فاتحه بخواند و برای‌دفع شر سوره تبت یدا هزار بار بخواند و به امید قضای حاجت سورهٔ انعام چهل و یک بار خواندن آمده است و سورهٔ اخلاص هفت هزار بار آمده است و به جهت دفع خصم سورهٔ نوح هزار بار آمده است» (منیری، ۱۹۱۱: ۹۹).

نمونهٔ دعاهایی که در متن مکاتیب آمده است

– «الهی ان لم ترحمنی فارحم عَبرتی» (اگر بر من نبخشی برین آب چشم من ببخشای).

اشاره به گفتار بزرگان

– «مَا اتَّخَذَ اللّهُ وَلِیّاً جاهِلاً، گفته مشایخ است».

ـ «نقل است که خواجه ممشاد دینوری[۷] رحمةاللّه علیه را مریدی دعا کرد و گفت بارخدایا بر ممشاد ببخشای و بهشتش کرامت کن. خواجه ممشاد چشم بگشاد و گفت: وَیحکَ! سی سال است تا بهشت بر ما عرض می‌کنند، به گوشهٔ چشم ننگریستم».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

استفاده از اشعار فارسی و عربی

*** توحید نه کار آب و خاک است — آن در دل صاف و جان پاک است**

*** کی بود تو ز ما جدا مانده — من و تو رفته و خدا مانده**

*** ذا ذهَبَ العِتابُ فَلَیْسَ وُدّ — یَبْقی الوُدُّ مابَقی العِتابُ**

و یک نمونه از حکایاتی که در ضمن مکاتیب آمده است

«حکایت است که مردمان بصره به طلب باران بیرون آمده بودند و دعا و زاری کرده هیچ باران فرو نمی‌آمد، مردی از راه در آمد، جماعتی انبوه دید دستها برداشته و چشمها گشاده و زاری می‌کنند، او را شفقتی پدید آمد. گفت الهی به حق آن سرّی که در دیدهٔ من است باران فرستی. در حال باران باریدن گرفت، مردی از آن جماعت که آن لفظ از او بشنیده، اجابت در حال دید، بر اثر وی برفت تا به منزل رسید. گفت ای شیخ از تو درخواستی دارم. گفت: بگو. گفت: این چه سرّ است که در دیدهٔ تست؟ به مجرّد شفیع آوردن باران آمد! گفت: این دیدهٔ من «بایزید» را دیده است. تا بدانی که خاک قدم ایشان توتیای دیده‌هاست و زبان ایشان چون باران بهاری همه حیات، چنان‌که باران بهاری زمین مرده را همه کسوت حیات پوشاند و زمین خارستان را گلستان کند، همچنین سخنی که از زبان ایشان بیرون آید همهٔ دل‌های مرده را زنده کند و نشانِ گفتِ پاک این بود».

در خاتمه باید اذعان داشت که نثر روان و گفتار شیوای شرف‌الدّین و تلفیق بی‌تکلّف حقایق شریعت و دقایق طریقت، خواننده را به ادامهٔ مطالعه و دقّت در لطایف نکات مکتوبات تشویق و تحریض می‌کند. در صورت مطالعه و تحقیق گسترده در آثار گوناگون وی با شیوهٔ نثر او که بسیاری از عباراتش طرز بیان و کلام نجم رازی در *مرصادالعباد* را به یاد می‌آورد و در توضیح و تشقیق و تقسیم اصطلاحات، شیوهٔ میبدی در نگارش *کشف‌الاسرار* را تداعی‌می‌کند، بیشتر آشنا می‌شویم.

بی‌شک تصحیح و تحشیهٔ تمامی مکتوبات برای همهٔ پژوهشگرانی که دربارهٔ متون عرفانی یا سبک نگارش مکتوبات، و نکاتی از قبیل آرایه‌های لفظی و معنوی، تکرار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

بعضی از ارکان جمله، مصدر مرخّم به جای اسم مصدر، ساخت فعل ماضی از بن مضارع و نیز تطابق صفت و موصوف، و به‌طور کلّی نکات دستوری و نگارشی آن تحقیق کنند، مفید خواهد بود.

پی‌نوشت

۱ ـ بِهار: نام خطّه‌ایست در هندوستان و مأخوذ از کلمهٔ «وِهار». (*لسان الشّعرا* و حاشیهٔ آن). در *مجمع‌الفرس* بیت ذیل از امیرخسرو دربارهٔ ولایت بِهار هندوستان آمده است: گرانی سپهش بس که سوی شرق افتاد/ فرودگشت بِهار و بلند شد غزنین. بتخانهٔ چین و آتشکدهٔ ترکستان ــ خانه طلاکاری و منقش بود ـ بت را نیز گفته‌اند که به عربی صنم خوانند و به کسر اوّل نام ولایتی است در هندوستان (برهان قاطع). سانسکریت Vihara به‌معنی دیر (بتخانه). رک: *نوبهار و مزدیسنا* ۳۲۵. امّا بهار چین یا بهارخانهٔ چین و یا نگارستان چین و یا بهارستان ظاهراً همان بهشت گنگ است که برخی از شعرای ما آن را بتخانه پنداشته‌اند. رک: بهشت گنگ. (حاشیهٔ *برهان قاطع*، به تصحّیح دکتر معین).

ایالت بِهار = بیهار (که در بهار سال هزار و سیصد و هشتاد و یک هجری شمسی میزبان سمینار سالانهٔ استادان فارسی بود)، در شرق هندوستان قرار دارد که مرکز آن «پتنا» است. رود گنگ نیز از آن می‌گذرد. در حدود صد کیلومتری جنوب پتنا نیز منطقه‌ای به نام «بِهار» وجود دارد که دانشگاه بوداییان به نام «نالاندا» متعلّق به قرن پنجم تا یازدهم میلادی در آن‌جا واقع است. اکنون با مشاهدهٔ بقایای این دانشگاه معلوم می‌شود که بتخانهٔ بزرگ و صومعه‌های متعدّدی علاوه بر کلاس‌ها و تالارهای مختلف دانشگاه وجود داشته است. توضیح این‌که «بِهار» رابه معنی جای دانش و «نالاندا» را نیز به همین معنی یا به قولی به معنی جایی که گل نیلوفر می‌دهد گفته‌اند. در حدود ده کیلومتری همین منطقه، شهر «بِهار شریف » قرار دارد که بارگاه عارف مشهور و مراد صاحب این فرهنگ یعنی «شرف‌الدّین احمد بن یحیی منیری» است و در تاریخ فوق‌الذّکر توفیق زیارتش برای این‌جانب حاصل شد. آرامگاه مادر آن بزرگوار و تنی چند از خاندان وی و نیز مزار «زین بدر عربی» گردآورندهٔ مکتوبات شرف‌الدّین در همان بارگاه است، بِهار شریف زیارتگاه عموم مردم و محلّی جهت بحث و تحقیق دربارهٔ عرفان و ادیان است. لذا می‌توان گفت بِهار یا «بِهارشریف» حدود یکصد کیلومتری شهر پتنا در ایالت بِهارِ هند قرار دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

۲ ـ امام محمّد تاج فقیه هاشمی مروّج دین مبین اسلام یکی از اجداد شرف‌الدّین است که در تاریخ ۲۷ رجب۵۷۶ هجری تعلیمات روحانی خویش را در مَنْیر آغاز نمود. (مطیع‌الامام، مقدّمه: ۳). امام محمّد تاج‌فقیه در سال ۵۷۶ ق. از قدس خلیل به قصبهٔ منیر از توابع پتنا تشریف آوردند... (قاسمی، ابوالکلام، *تذکرهٔ علمای بهار*، شعبه نشر و اشاعت جامعهٔ اسلامیّه قاسمیّه، پتنَه، ۱۹۹۵).

۳ ـ فرهنگ «*شرفنامهٔ منیری*» از ابراهیم قوام فاروقی، فارسی به فارسی است و تعدادی لغات ترکی دارد. مؤلّف این کتاب، از مریدان شرف‌الدّین منیری (۷۸۲) بوده و کتاب را به اسم او نامیده است. «در این لغتنامه معانی کلمات به تفصیل بیان شده و از شعرای معروف شواهد کافی ذکر گردیده است. کتاب شرفنامه دارای چندین باب و هر بابی شامل فصول است و در آن کلمات را به ترتیب حروف اوّل و آخر آن‌ها تنظیم نموده‌اند. معانی کلمات ترکی نیز در آخر هر فصل داده شده است» (فیضی، ۱۳۳۷: «ه» مقدّمهٔ دکتر محمّد باقر).

٤ ـ شیخ احمد سرهندی معروف به مجدّد الف ثانی (احیاگر هزارهٔ دوم) که منتخب مکتوبات وی توسّط اقبال آکادمی پاکستان به چاپ رسیده است، از عرفای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است. بنابراین مقصود مؤلّف *ریاض‌العارفین* برتری و مزیّت مکتوبات سرهندی بر مکتوبات شرف‌الدّین است در حقیقت تقدّم فضل او را اشاره کرده نه تقدّم زمانی. اینک نمونه‌ای از نثر شیخ احمد سرهندی: «این‌جا دقیقه‌ایست، باید دانست که همچنان‌که در حصول نفس ولایت مر ولی را علم به ولایت خود شرط نیست ـ چنان‌که مشهور است ـ علم به‌وجود خوارق خود هم شرط نیست، بلکه بسا است که مردم از وی خوارق نقل کنند و او را از آن خوارق اصلاً اطّلاع نه، اولیائی که صاحب علم و کشف‌اند جائز است که بر بعضی از خوارق خود اطّلاع پیدا نکنند بلکه صور مثالیهٔ ایشان را در امکنهٔ متعدّده ظاهر سازند و در مسافات بعیده کارهای عجیبه و غریبه از آن صور به ظهور آرند که صاحب آن صور را از آن‌ها اصلاً اطّلاع نیست ـ از ما و شما بهانه بر ساخته‌اند».

۵ ـ نمونه‌ای از نثر زین بدر عربی در مقدّمهٔ *مکتوبات صدی*: «امّا بعد حمد و درود می‌گوید بنده ضعیف زین بدر عربی که چون قاضی شمس‌الدّین، کرّات و مرّات عرایض رفع کرد که در هر بابی از علم سلوک بر قدر فهم این بنده اگر چیزی در قلم آید حظّی و نصیبی از آن برگیرد، بنابراین ضرورت چندگان سطر بر قدر حصول حاجت و بر آمدن سؤال سائل بندگی مخدوم عظّمه اللّه از مراتب و مقامات سالکان و احوال و معاملات مریدان از توبه و ارادت و توحید و معرفت و عشق و ... به قلم شفقت در تحریر آورد و به اوقات مختلفه از خطّهٔ «بهار» صانهااللّه تعالی عن البوار در شهور سنهٔ سبع و اربعین و سبع مئة بر سائل مذکور فرستادن فرمود، تا باشد که روزی و وقتی توفیق رفیقشان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

گردد و به عمل مقرون گردانند و طالبان اسرار و صادقان روزگار سرمایه از این برگیرند و آن را سعادت ابدی و دولت سرمدی تصوّر کنند و سبب ترقّی درجات آن‌جهانی و مونس روزگار این‌جهانی پندارند وباللّه التّوفیق» (سرهندی، ۱۹۸٤: ۱٦۰).

٦ ـ در *کشف‌الاسرار* بدین صورت آمده است: لو لم تذنبوا لجاء اللّه بقوم یذنبون کی یغفر لهم (ج ۸، ٤٤۰). و در تعلیقات *گلشن راز* (تصحیح برزگر خالقی و عفّت کرباسی) چنین آمده است: این حدیث پیامبر(ص) با تفاوت در *کنزالعمّال*، ج ۱: ۳٥٦، *کشف الخفاء*، ج ۲، ص ۱٦٤، *کشف الاسرار*، ج ۸، ص ٤٤۰، *تمهیدات*، ص ۲۳۱، و *حلیةالاولیاء*، ج ۷، ص ۲۰٤ نقل شده است.

۷ ـ در *لغتنامهٔ دهخدا* به نقل از *تاریخ گزیده* و *ریحانةالادب* آمده است: «ممشاد دینوری، عارف و زاهد، از خلفای جنید بغدادی است و به سال ۲۹۸ ق. در گذشته است. از سخنان او در *تذکرةالاولیاء* و *نفحات‌الانس* نقل شده‌است». در *کشف‌الاسرار*، ج ۳، ص ۱۰٦ و ج ٦، ص ۹۰، نیز سخنانی از وی آمده است.

منابع

احمد، سیّد ضمیرالدّین. (۱۹۹٤م). *مخدوم شرف‌الدّین احمد یحیی منیری*. احوال و افکار. خدابخش اورینتل پبلیک لایبرری. پتنا. هند.

احمد، ظهورالدین . (۱۹۷۷م). *پاکستان مین فارسی ادب* [ادب فارسی در پاکستان]. لاهور: دانشگاه پنجاب.

بدخشانی، میرزا مقبول بیک. (۱۹۷۱م.). *تاریخ ادبیّات مسلمانان پاکستان و هند*. لاهور: دانشگاه پنجاب. ج ۱۳.

تبریزی، محمّد حسین بن خلف. (۱۳٤۲ش). *برهان قاطع*. به اهتمام دکتر محمّد معین. نشر ابن سینا. چاپ دوم.

حاجی خلیفه، کاتب چلبی (افندی، مصطفی). (قرن ۱۱ هجری). *کشف‌الظّنون عن اسامی الکتب والفنون*. (جلد چهارم).

دبیران، حکیمه. (۱۳۸٥ ش). [مصحح] *شرفنامهٔ منیری یا فرهنگ ابراهیمی*. تألیف ابراهیم قوام فاروقی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

دهخدا، علی‌اکبر. *لغتنامه*. (۱۳۷۳ ش). زیر نظر دکتر محمّد معین و دکتر سیّد جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. دورهٔ جدید. چاپ اول.

سرهندی، شیخ احمد. (۱۹۸٤م.). *انتخاب مکتوبات*. ترتیب و مقدّمهٔ دکتر فضل الرّحمن. لاهور: انتشارات اقبال آکادمی. طبع دوم.

شبلی نعمانی، محمّد. (۱۳۳۹ش). *شعرالعجم*. ترجمهٔ سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: نشر ابن سینا.

شهریار نقوی، با حیدر. (۱۳٤۱ش). *فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان*. ادارهٔ کل نگارش فرهنگ.

صفا، ذبیح‌اللّه. (۱۳٤۱ش). *تاریخ ادبیّات در ایران*. تهران: انتشارات ابن سینا. چاپخانهٔ دانشگاه جلد سوم.

عاشق، شیخ‌زاده. (۱۳۷٤ش./ ۱۹۹۵م.). *فرهنگ لسان‌الشّعراء* (۷۵۳ ـ۷۹۰). ترتیب و تصحیح پروفسور نذیراحمد. هند. دهلی نو: انتشارات رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

فیضی سرهندی، اللّه داد. (۱۳۳۷هـ. ش). *مدارالافاضل*. به اهتمام دکتر محمّد باقر. لاهور: انتشارات دانشگاه پنجاب.

قاسمی شمسی، ابوالکلام. (۱۹۹۵م.). *تذکرهٔ علمای بهار*. دهلی: جامعهٔ اسلامیّه قاسمیّه.

مطیع‌الامام، (۱۳۷۲هـ ش. ۱۹۱۱.). *دکتر سیّد شیخ شرف‌الدّین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نثر متصوّفانهٔ فارسی*. اسلام‌آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

منیری، شیخ شرف‌الدّین یحیی (۱۸۸۵م.). *مکتوبات*. چاپ سنگی ـ هند: مطبع نول کشور. [نام اصلی نویسنده، احمد بن یحیی صحیح است].

منیری، شیخ شرف‌الدّین احمد بن یحیی. (۱۹۱۱م.). *مکتوبات*. مطبع نول کشور.

مهر نور، محمّدخان. (۱۳۷۵). «نفوذ و رواج تذکره‌الاولیاء عطّار در سرزمین پاکستان». *فصلنامهٔ دانش*. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ش ٤٦.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]

میبدی، ابوالفضل رشیدالدّین. (١٣٦١). *کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار*. تهران: نشر امیرکبیر. چاپ چهارم.

هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (١٣٧٤ ش). *کشف‌المحجوب*. به کوشش دکتر محمّد حسین تسبیحی. اسلام‌آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

هدایت، رضا قلیخان. (١٣٤٤ق). *ریاض‌العارفین*. به کوشش مهر علی گرکانی. تهران: انتشارات محمودی.

Rizvi S, A. (1983). A *History of Sufism in India*. New Delhi.

Rieu, Charles. (1966). *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum* (UK) Oxford, (Persian Dictionaries)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.12.8]